المملكة العربية السعودية
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
617



# عقیده‌ی
# أهل سنت و جماعت




تأليف
محمد بن صالح العثيمين
رحمه الله

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
uspr@moia.gov.sa

# عقیده ی اهل سنت وجماعت

تألیف :

محمد بن صالح العثيمين رحمه الله

رحمه الله

ترجمه

إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

رحمه الله

معاونت مطبوعات و پژوهش علمی

وزارت امور اسلامی، دعوت و ارشاد

عربستان سعودی

1439 هـ

ح وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد، ١٤٣٩ هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

العثيمين، محمد بن صالح

عقيدة أهل السنة والجماعة./ محمد بن صالح العثيمين .-

الرياض، ١٤٢٥هـ

٩٦ ص ؛ ١٧ × ٢٠ x ١٤ سم

ردمك : ٩-١٩١-٤٩-٢٩-٩٩٦٠

(النص باللغة الفارسية)

١- العقيدة الإسلامية أ. العنوان

ديوي ٢٤٠ ١٤٢٥/٦٠١٣

رقم الإيداع : ١٤٢٥/٦٠١٣
ردمك : ٩-٤٩١-٢٩-٩٩٦٠

الطبعة الخامسة عشرة
١٤٣٩ هـ

## فهرست مطالب


| عنوان | ص |
|---|---|
| مقدمه مترجم | ۸ |
| تقدیم | ۱۰ |
| مقدمه مؤلف | ۱۲ |
| عقیده ما: ایمان به خدا ... ایمان به ربوبیت والوهیت واسما وصفات و یگانگی خداوند در آن | ۱٤ |
| آیت الکرسی | ۱۵ |
| عالم و آگاه بودن وسخن گفتن باری‌تعالی | ۱۹ |
| خداوند بر عرش | ۲۲ |
| کفر و گمراهی کسی که بگوید: خدا با خلق در زمین است | ۲٤ |
| نزول خدا به آسمان دنیا و آمدن خدا در روز محشر برای قضاوت بین بندگان | ۲٤ |
| اراده جهانی و اراده شرعی | ۲۵ |
| مراد و خواست خدا چه جهانی و چه شرعی تابع و پیرو حکمت اوست | ۲۷ |
| محبت، خشنودی، کراهت، خشم، غضب خداوند | ۲۹ |
| صورت و رخسار و دو دست و دو چشم خداوند | ۳۰ |
| دیدن مؤمنین خدای خود را بدون آن که چشم، او را | ۳۲ |

| عنوان | ص |
| --- | --- |
| ادراک و احاطه کند | |
| خدا را از مثل و مانند مبرا دانستن | ٣٣ |
| دور دانستن خدا از کسالت خواب و خواب رفتن و ظلم، غفلت، ناتوانی، خستگی و فرسودگی | ٣٤ |
| ثابت کردن ذات خداوند بدون شباهت و چگونگی | ٣٥ |
| سکوت در آن چه خدا ورسولش ﷺ از آن سخن نگفته‌اند | ٣٦ |
| پیروی از راه و روش رسول ﷺ و بیان آن | ٣٦ |
| استناد مؤلف در اثبات یا نفی، بر قرآن و سنت پیامبر ﷺ و امامان اهل سنت | ٣٨ |
| کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کردن و دوری از راه گمراهان و تأویل کنندگان و غلوکنندگان در کتاب خدا | ٣٨ |
| قرآن و سنت، حق و حقیقت است | ٣٩ |
| هیچ نقض واختلافی در قرآن وسنّت وجود ندارد | ٣٩ |
| مدعی نقض واختلاف در قرآن و سنت، گمراه است | ٤٠ |
| فکر و ادراکِ ناقضِ قرآن و سنت، کم است | ٤٠ |
| فصل: ایمان به فرشتگان | ٤٢ |

| عنوان | ص |
|---|---|
| هر یک از فرشتگان بر اعمالی گماشته شده‌اند | ٤٣ |
| بیت المعمور | ٤٥ |
| فصل: ایمان به کتاب‌های خدا | ٤٧ |
| ایمان به اینکه بر هر پیامبری کتابی نازل شده است | ٤٧ |
| کتاب‌های ظاهر و آشکار | ٤٧ |
| قرآن، شاهد و گواهی صادق بر کتابهای آسمانی پیشین و محفوظ به حفظ خداست | ٤٩ |
| فصل: ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها | ٥٤ |
| اولین و آخرین پیامبران | ٥٤ |
| برترین پیامبران | ٥٥ |
| فضیلت دین محمد ﷺ بر ادیان دیگر | ٥٥ |
| پیامبران، بشر و مخلوق خدا هستند و صفت عبودیت و پرستش ندارند | ٥٦ |
| شریعت محمد ﷺ آیین اسلام است که خدا به آن راضی است | ٥٩ |
| هرکس ادعا کند که خداوند، دینی غیر از اسلام می پذیرد، کافر است | ٦٠ |
| کافر به رسالت محمد ﷺ، به تمامی پیامبران کافر است | ٦١ |

| ص | عنوان |
|---|---|
| ٦٢ | هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست و کسی‌که ادعای نبوت کند یا ادعاکننده را باور کند، کافر است |
| ٦٢ | خلفای راشدین: بهترین و شایسته‌ترین آن‌ها به خلافت |
| ٦٢ | فضیلت بعضی از خلفا بر بعضی دیگر |
| ٦٣ | امت محمدی بهترین امت هاست |
| ٦٤ | گروهِ همیشه بر حق |
| ٦٤ | آن چه بین صحابه از جنگ و اختلاف رخ داد، از روی اجتهاد بود |
| ٦٥ | نباید از بدی صحابه سخن گفت |
| ٦٧ | فصل: ایمان به روز آخرت |
| ٦٩ | ایمان به حشر و نامه و ترازوی اعمال |
| ٧٠ | شفاعت خاص و عام |
| ٧١ | حوض رسول الله ﷺ و پل صراط |
| ٧٢ | ایمان به بهشت و دوزخ |
| ٧٥ | بهشتیان و دوزخیان |
| ٧٦ | ایمان به سختی، عذاب و خوشی قبر |
| ٧٧ | امور غیبی با امور دنیوی تناقضی ندارد |
| ٧٨ | ایمان به قضا و قدر |

| عنوان | ص |
|---|---|
| مراتب ایمان به قضا و قدر | ۷۸ |
| اختیار و مشیت و قدرت عملِ بنده | ۸۰ |
| پنج دلیل بر اختیار انسان | ۸۱ |
| گناهکار هیچ حجت و دلیلی ندارد | ۸۳ |
| شر نزد خدا شر نیست، چـون قضای او مطلق است | ۸٦ |
| شر در آن چه قضا کرده، وجود دارد | ۸۷ |
| فصل: فایده‌های این عقیده والا | ۸۹ |
| فواید ایمان به خدا | ۸۹ |
| فواید ایمان به فرشتگان | ۸۹ |
| فواید ایمان به کتاب‌های خدا | ۹۰ |
| فواید ایمان به پیامبران | ۹۱ |
| فواید ایمان به روز آخرت | ۹۱ |
| فواید ایمان به قضا و قدر | ۹۲ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

## مقدمهٔ مترجم

وبه نستعين وصلى الله على محمد وآله وصحبه أجمعين.

سپاس خدایی را که در هر دوره و زمانی پس از پیامبران، عده‌ای از اهل علم را برمی‌گزیند تا کسانی را که گمراه شده‌اند به سوی هدایت خداوندی دعوت کنند. آن‌ها بر اذیت و آزار مردم صبر و شکیبایی می‌کنند، با کتاب خدا ـ قرآن ـ مردگان را زنده می‌کنند، و با نور الهی، نابینایان را روشنایی و بصیرت می‌بخشند. چه انسان‌هایی که به دست شیطان کشته شده‌اند و اینان زنده‌شان کرده‌اند و چه بسیار گمراهان و گم شدگانی که راه هدایت را از آنان آموخته‌اند. چه آثار خوبی از آن‌ها که بر روح و جان مردم اثر گذاشته و چه تأثیر بد مردم بر آن‌ها .

آنان تحریف و تبدیل افراط و غلوکنندگان، و تأویل جاهلان و نادانان را از کتاب خدا برطرف می‌کنند. وای بر آنان که پرچم‌های بدعت را برافراشته‌اند و ریسمان فتنه را بر دوش گرفته‌اند، آن‌ها که در کتاب خدا اختلاف می‌اندازند و با آن

مخالف هستند و بر جدایی از قرآن اجماع می‌کنند. بر خدا، در خدا، و در کتاب خدا، به دور از آگاهی و معرفت سخن می‌گویند، با زبان قرآن و مانند قرآن سخن می‌گویند، و نادانان را با مثل ومانندها می‌فریبند. پس، از فتنه‌ی گمراهان به خدا پناه می‌بریم.

کتاب حاضر که به طور خلاصه عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را بیان می‌کند به فارسی زبانانِ جهان تقدیم می‌شود.

امید است که خوانندگان محترم، کاستی‌ها و کمبودها را نادیده انگارند و عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را از ضمیر پاک خود بیاموزند.

**وصلى الله وسلم على محمد وآله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.**

إسحق بن عبدالله بن محمد دبیری

ریاض ـ شعبان ۱٤۱۹هـ . ق

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

## تقديم

**الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وصحبه، أما بعد:**

نوشتهٔ علامهٔ بزرگ شیخ محمد بن صالح العثیمین را دیدم و مطالبش را که در عین اختصار بسیار مهم بود خواندم، و مشتمل بود بر بیان عقیدهٔ اهل سنت و جماعت در باب توحید خدا و توحید اسما و صفات او، و نیز ایمان به فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران و روز آخرت و قضا و قدر.

پی بردم که در گردآوری مطالب مذکور، موفق عمل کرده است؛ چنان که مسایل مورد نیاز در باره خدا، فرشتگان، پیامبران، کتاب‌ها، روزآخرت، و قضا و قدر را به خوبی بیان کرده، همچنین مطالب مفید مربوط به این عقاید را بر آن افزوده در حالی که ممکن است در کتب عقیدهٔ دیگر نباشد

خدا او را پاداش نیک دهد، و علم و هدایت به او عطا

کُند، و فواید این کتاب و سایر کتاب‌های او را به همگان برساند، و ما را از هدایت‌شدگان و دعوت‌کنندگان به سوی حق به وسیله علم و دانش و بصیرت بگرداند.

إنَّه سمیع قریب.

**وصلى الله وسلم على نبينا محمد وآله وصحبه**

**قاله مملیه الفقیر إلى الله تعالى:**

**عبدالعزيز بن عبدالله بن باز سامحه الله،**

**الرئيس العام لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمهٔ مؤلف

**الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلاَّ على الظالمين، وأشهد أنَّ لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له، الملك الحق المبين، وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله خاتم النبيين وإمام المتقين، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:**

خداوند متعال پیامبر خود محمد ﷺ را برای هدایت به دین حق فرستاد. او رحمتی است برای جهانیان و پیشوا، و حجتی برای همه بندگان. از طریق او و فرستادن قرآن و سنت، عقاید صحیح، کردار نیک، اخلاق شایسته، آداب برجسته و عالی را بیان کرده است که صلاح و درستی احوال بندگان در دین و دنیا در آن نهفته است.

پس پیامبر ﷺ امت خود را بر راه مستقیمی رها کرد که شب آن همانند روز روشن، آشکار و واضح است، و بجز گمراهان کسی از آن راه منحرف نمی‌شود.

صحابه و تابعین و کسانی از امت پیامبر همین راه را به

نیکی پیروی نمودند، آنها کسانی هستند که ندای خدا و رسول الله ﷺ را پاسخ گفتند و بهترین انسان‌ها هستند، کسانی هستند که بر شریعت وی در ساحه عقیده، عبادت، اخلاق، آداب پایدار ماندند و به سنت او چنگ زدند و تمسک ورزیدند، پس آنها رستگارانی هستند که همیشه بر حق‌اند و مخالفت هیچ کس به آن‌ها ضرر و زیان نمی‌رساند تا برپا شدن روز قیامت آن برحق پایدار خواهند بود.

ما نیز ـ الحمد لله ـ راه و روش آن‌ها را که با قرآن و سنت تایید شده است دنبال می‌کنیم وخدا را بر نعمت‌هایش شکر و سپاس می‌گوییم، و از خداوند خواستاریم تا ما و مسلمانان را با قول ثابت در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه دارد، رحمت خود را بر ما فرو فرستد؛ چرا که او بسیار بخشنده است.

به جهت اهمیت این موضوع ـ با وجود اختلاف نظر مردم درباره این موضوع ـ دوست داشتم به طور مختصر عقیدهٔ ما ـ عقیدهٔ اهل سنت و جماعت ـ ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر را به نگارش در آورم.

از خداوند متعال خواهانم آن را خالصانه مورد رضا و خشنودی خود و سودمند برای بندگان خود قرار دهد.

## عقیدهٔ ما
## (ارکان عقیده)

۱ ـ عقیدهٔ ما: ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب ها، پیامبران خدا، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر است.

## (تفصیل ایمان به خدا)

۲ ـ ایمان می‌آوریم به خدای‌تعالی؛ یعنی، او تربیت کننده، خالق، مالک و تدبیرکنندهٔ تمام کارهاست.

۳ ـ ایمان می‌آوریم به الوهیت خداوند بزرگوار؛ یعنی اوست پروردگار بر حق و هر خدایی غیر از او باطل است.

٤ ـ ایمان می‌آوریم به نام‌ها و صفت‌های باری‌تعالی؛ یعنی، نام‌های نیک، و صفت‌های عالی و کامل، مخصوص اوست.

٥ ـ ایمان می‌آوریم به یکتایی او، یعنی این که: خدا یکتاست و در پروردگاری، نام‌ها و صفتها هیچ شریکی ندارد.

باری‌تعالی می‌فرماید: ﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ٦٥﴾. (مریم: ٦٥).

«همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار

دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟!».

۶ ـ ایمان می‌آوریم به این که: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ (البقرة ۲۵۵).

«هیچ معبودی بحق نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.)

و کسی از علم او آگـاه نمـی‌گـردد; جـز بـه مقـداری کـه او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه اسـت; و علـم و دانـش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایـان و نامحـدود اوسـت.) عرش او، آسمانها و زمین را دربرگرفتـه; و نگاهـداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمـت، مخصوص اوست».

۷ ـ ایمان می‌آوریم به این که: ﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ۖ هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ ٱلْمُهَيْمِنُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْجَبَّارُ ٱلْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ ۖ لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾. (الحشر ٢٢-٢٤).

«او خدائی است که معبودی بحـق جـز او نیـست، دانـای آشکار و نهان است، و او رحمـان و رحـیم اسـت. او خـدائی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصـلی اوسـت، از هر عیب منزه است، به کسی ستم نمـی‌کنـد، امنیـت‌بخـش

است، و مراقب (همه چیز) است، او قدرتمندی شکست‌ناپذیر است که با اراده‌ٔ نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایسته‌ٔ عظمت است، خداوند منزه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورتگری بی‌نظیر، برای او نامهای نیک است، و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند، و او عزیز و حکیم است».

۸ ـ ایمان می‌آوریم به این که: برای اوست ملک آسمانها و زمین ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَٰثًا ۖ وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾﴾. (الشوری ٤٩-٥٠).

«هر چه را بخواهد می‌آفریند; به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا (اگر بخواهد) پسر و دختر -هر دو- را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد; زیرا که او دانا و قادر است».

۹ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ

ٱلْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾﴾. (الشوری ۱۱ - ۱۲).

«هيچ چيز همانند او نيست و او شنوا و بيناست! کليدهای آسمانها و زمين از آن اوست; روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد يا محدود می‌سازد; او به همه چيز داناست».

۱۰ ـ ايمان می‌آوريم به اين که: ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٦﴾﴾. (هود ٦).

«هيچ جنبنده‌ای در زمين نيست مگر اينکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند; همه اينها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ ، در کتاب علم خدا)».

۱۱ ـ ايمان می‌آوريم به اين که: ﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾﴾. (الأنعام ٥٩).

«کليدهای غيب، تنها نزد اوست; و جز او، کسی آنها را

نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند; هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است; و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تَر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است».

۱۲ ـ ایمان می‌آوریم به این که: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌۢ ﴿٣٤﴾﴾. (لقمان ۳٤).

«آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است!».

۱۳ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه: باری‌تعالی سخن می‌گوید با هر چیز، و هر زمان، و هرگونه که بخواهد: ﴿وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾﴾. (النساء ١٦٤).

«و خداوند با موسی (حقیقتاً و بدون واسطه) سخن گفت.

(این آیه صفت کلام برای خدا چنانکه بـه جـلال خـدا لایـق است می‌رساند (مترجم)».

﴿ وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ ﴾ (الأعراف ١٤٣).

«و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت».

﴿ وَنَٰدَيْنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَٰهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾ ﴾. (مریم ٥٢).

«ما او را از طرف راست (کوه) طـور فراخوانـدیم؛ و او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ و با او سخن گفتیم».

١٤ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿ قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّى لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّى ﴾. (الكهف ١٠٩).

«بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکـب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکـه کلمـات پروردگـارم پایان یابد».

﴿ وَلَوْ أَنَّمَا فِى ٱلْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَٰمٌ وَٱلْبَحْرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ ﴾. (لقمان ٢٧).

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا بـرای آن

مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد; خداوند عزیز و حکیم است».

۱۵ ـ ایمان می‌آوریم به این که: کلمات و سخنان خدا کامل‌ترین کلمات و سخنان است، صادق در اخبار، عادل در احکام، و نیکو در گفتار؛ چنان که باری‌تعالی می‌فرماید: ﴿ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ﴾. (الأنعام ۱۱۵).

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید».

و می‌فرماید: ﴿ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ ﴾. (النساء ۸۷).

«و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟».

۱٦ ـ ایمان می‌آوریم که قرآن کریم، کلام خدای‌تعالی است، در آن از روی حقیقت، سخن گفته است و آن را به سوی جبریل عَلَيْهِ السَّلَامُ فرو فرستاده، سپس جبریل آن را بر قلب رسول الله ﷺ نازل کرده است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ ٱلْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ ﴾. (النحل ۱۰۲).

«بگو، روح القدس (جبریل ؛) آن را از جانب پروردگارت

بحق نازل کرده».

و می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ﴿١٩٥﴾﴾. (الشعراء ۱۹۲-۱۹۵).

«مُسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! روح الامین(جبریل عليه السلام) آن را نازل کرده است بر قلب (پاک) تو، تا از انذارکنندگان باشی! آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)!».

۱۷ ـ ایمان می‌آوریم به این که: خدای بزرگوار، به ذات و صفت خود، بر خلقش برتری دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾﴾. (البقرة ۲۵۵).

«او (خداوند) بالا و بلندمرتبه و با عظمت است».

و می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ﴿١٨﴾﴾. (الأنعام ۱۸).

«اوست که بر بندگان خود، فوق و غالب است; و اوست حکیم آگاه!».

۱۸ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه او: ﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ

أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ ﴾. (یونس ۳).

«پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت».

قرار گرفتنِ خدا بر عرش، علُو و برتری بر آن با ذات مقدس خود، خاص و شایسته جلال و عظمت خداوندی است و هیچ کس بجز خدا چگونگی آن را نمی‌داند.

۱۹ ـ ایمان می‌آوریم به این که: خدای‌تعالی با خلق خود است، و بر عرش قرار دارد، احوال آن‌ها را می‌داند، گفتارشان را می‌شنود، کارهای آن‌ها را می‌بیند و امور و شؤون آن‌ها را تدبیر می‌کند؛ فقیر را رزق و روزی می‌دهد، هرکس را بخواهد عزتِ مُلْک و سلطنت می‌بخشد، و از هرکه بخواهد می‌گیرد، به هرکه بخواهد عزت و اقتدار می‌بخشد، و هرکه را خواهد خوار و ذلیل می‌گرداند، هر خیر و نیکی، به دست اوست، و تنها او بر هر چیز تواناست.

و آن ذاتی که دارای چنین مرتبه و مقام است، او حقیقتاً با

آفریدگانش همراه است، با آنکه در حقیقت بالای آنها بر عـرش خود قرار دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾. (الشوری ١١).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

و ما عقیدهٔ گروه حلولیه مانند جهمیه را نمـی‌پـذیریم کـه می‌گویند: خدا در همه چیز حل شده اسـت؛ کـه مـی‌گوینـد: «خدا با خلقش در زمین است» بر این باوریم که هـرکس ایـن چنین بیندیشد، کافر و گمراه است؛ زیرا خداوند را به نقـائص و عیب‌هایی توصیف کرده است که شایستهٔ او نیست.

٢٠ ـ ایمان می‌آوریم به آن چـه رسـول الله ﷺ خبـر داده است که: خداوند متعال، هر شب به آسمانِ دنیا فرود مـی‌آیـد آن‌گاه که یک سومِ شب، باقی مانده باشد و مـی‌فرمایـد: «**مـن يدعوني فأستجيب له، من يسألني فأعطيه، مـن يـستغفرني فـأغفر له**». [متفق علیه].

چه کسی مرا دعا می‌کند تا او را اجابت کنم، و چـه کـسی از من پرسشی دارد تـا بـه او عطـا نمـایم، چـه کـسی از مـن

آمرزش می‌خواهد تا گناهان او را ببخشایم.

۲۱ ـ ایمان می‌آوریم که: خداوند باری‌تعالی روز قیامت برای فصل[1] و حکم کردن بین بندگان می‌آید؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿كَلَّآ إِذَا دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِاْىٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ ٱلْإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾﴾. (الفجر ۲۱ـ۲۳).

«و چنان نیست که آنها (دنیاطلبان)، می‌پندارند، در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود. و خداوند برای فصل قضاوت بین خلایق بیاید، و فرشتگان صف در صف حاضر شوند. و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند (آری) در آن روز انسان متذکر می‌شود، اما این تذکر چه سودی برای او دارد».

۲۲ ـ ایمان می‌آوریم به این که: خداوند: ﴿فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾﴾. (البروج ۱۶). «و آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد».

۲۳ ـ ایمان می‌آوریم که: باری‌تعالی دو نوع اراده دارد:

الف ـ اراده کونی (متعلق به کائنات): این که مراد و

---

(۱) جدا کردن حق از باطل.

خواست او باید واقع گردد[1] و لازم نیست که آن مراد (آن چیزی که طبق ارادهٔ کونی واقع می‌گردد) برای او محبوب و دوست داشتنی باشد؛ و این نوع اراده را مشیت نیز گوید، چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُوا۟ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾﴾. (البقرة ٢٥٣).

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند; ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند)».

و می‌فرماید: ﴿إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ ۚ هُوَ رَبُّكُمْ﴾. (هود ٣٤).

«هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست».

ب ـ اراده شرعی (متعلق به اوامر و نواهی): و حتمی نیست که مراد وی طبق این اراده واقع گردد، ولی مراد

(١) یعنی تقدیر و سرنوشتی که خداوند بر بندگان خود تعیین کرده است و ناگزیر باید این سرنوشت و تقدیر واقع گردد. مانند حوادث و رویدادهایی که در جهان هستی رخ می‌دهد. مترجم.

خداوند در این جا محبوب است[1]؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡكُمۡ﴾. (النساء ۲۷).

«و خدا می‌خواهد شما را ببخشد».

۲٤ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه: مراد و خواست خدا چه کونی و چه شرعی بر اساس حکمت اوست.

پس، خداوند وقوع هر چیزی را که اراده کرده و یا شرعاً بندگانش را به آن مکلف نموده باشد، همهٔ آن‌ها، طبق اوست، چه ما به حکمت آن پی ببریم، و یا عقل و فهم ما از درک آن قاصر باشد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ۝٨﴾. (التین ۸).

«آیا خداوند بهترین حکم کنندگان و داوران نیست؟!».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ﴾. (المائدة ۵۰).

[و چه کسی بهتر از خدا، برای کسانی که یقین دارند حُکم فرماست؟].

---

(۱) محبوب است یعنی خدا آن را دوست دارد، با این حال لازم نیست که واقع گردد مثل شخص کافر؛ خدا دوست دارد که او مسلمان باشد ولی مسلمان نیست مترجم.

٢٥ ـ ایمان می‌آوریم که: خداوند، دوستان خود را دوست دارد و دوستان خدا او را دوست دارند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾. (آل عمران ٣١).

«بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد».

و می‌فرماید: ﴿فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ﴾. (المائدة ٥٤).

«خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند».

و می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٦﴾. (آل عمران ١٤٦).

«و خداوند، صابران را دوست می‌دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٩﴾. (الحجرات ٩).

«و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد».

و می‌فرماید: ﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٩٥﴾. (البقرة ١٩٥).

«نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

٢٦ ـ ایمان می‌آوریم به این که خدای‌تعالی آن چه از

کردار و گفتار، حکم فرموده، به آن راضی و خشنود است و آن چه از آن نهی کرده، آنرا بد می‌بینند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾. (الزمر ۷).

«اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد!».

و می‌فرماید: ﴿وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾﴾. (التوبة ٤٦).

«ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد ؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید!».

۲۷ ـ ایمان می‌آوریم به این که خدا از کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح و نیک انجام دادند، راضی و خشنود است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ

رَبَّهُۥ ﴿٨﴾ ﴾. (البينة ٨).

«هم خدا از آنها خشنود است، و (هم) آنها از خدا خشنودند. و این (مقام والا و پاداشهای مهم و بی‌نظیر) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

۲۸ ـ ایمان می‌آوریم به این که خدای‌تعالی بر کسانی‌که سزاوار عِقاب [و عذاب] هستند، مانند کافران و غیر آنها، خشم و غضب می‌گیرد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِۚ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ ٱلسَّوْءِۖ وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾. (الفتح ٦).

«و آنانی‌که به خدا بد گمان بودند و حوادث ناگواری (برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آنان غضب کرده».

و می‌فرماید: ﴿وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾﴾. (النحل ١٠٦).

«آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست ؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان».

۲۹ ـ ایمان می‌آوریم به این‌که خدا دارای چهره‌ای

آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است: ﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾﴾. (الرحمن ۲۷).

«و تنها وجه خداوند ذوالجلال و گرامی باقی می‌ماند! (در این آیه صفت وجه: (روی و چهره پروردگار) بدون تشبیه و چگونگی برای خداوند عز وجل ثابت می‌کند که به جلال و عظمت او سبحانه لایق است). مترجم».

۳۰ ـ ایمان می‌آوریم به این که خداوند دارای دو دست گرامی و عظیم و بزرگ است چنان که می‌فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾. (المائدة ٦٤).

«بلکه هر دو دست او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می‌بخشد».

می فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾﴾. (الزمر ٦٧).

«آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها

پیچیده در دست او ؛ خداوند منزه و بلندمقام است از شریکیهایی که برای او می‌پندارند».

۳۱ ـ ایمان می‌آوریم به این که برای خدای‌تعالی دو چشم حقیقی است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿ وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا ﴾. (هود ۳۷).

«و کشتی را با وحی ما و زیر نظر ما بساز».

و چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «**حجابه النور لو کشفه لأحرقت سبحات وجهه ما انتهى إليه بصره من خلقه**». [الدارمي].

«حجاب خدا نور است، اگر آن را ظاهر و آشکار کند جلال و عظمت و روشنایی چهره‌اش، (تمامی) آن آفریدگانش را که چشمش به آن رسد می‌سوزاند».

اهل سنت وجماعت، همگی بر این قولند که چشمان خدای متعال دوتاست؛ چنان که رسول الله ﷺ در باره دَجال[1] می‌فرماید: «**إنَّه أعور، وإنَّ ربكم ليس بأعور**». [متفق عليه].

---

(۱) مردی کذّاب و بسیار دروغگو که در آخرالزمان ظهور کند و مردم را بفریبد. فرهنگ فارسی معین ـ ویراستار.

«دجال یک چشم دارد و چشم دیگرش کور است و خدای‌تعالی چنین نیست، بلکه دو چشم دارد».

۳۲ ـ ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَّا تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصَـٰرُ وَهُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصَـٰرَ ۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾﴾. (الأنعام ۱۰۳).

«چشم‌ها، او را (در دنیا) نمی‌بینند(لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید) ؛ و او همه چشمها را می‌بیند ؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات،) و آگاه (از همه) چیز است».

۳۳ ـ ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان، در روز قیامت خدا را خواهند دید؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾. (القیامة ۲۲ـ۲۳).

«در آن روز صورتهای(اهل سعادت) شاداب و مسرور است. و (و با شادابی) به پروردگارش می‌نگرد».

۳٤ ـ ایمان می‌آوریم به این که خداوند، مثل و مانندی ندارد، زیرا که صفت‌های او کامل است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ ﴿١١﴾﴾. (الشوری ۱۱).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

۳۵ ـ ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾. (البقرة ۲۵۵).

«هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی‌گیرد».

برای این که زندگی و قیومیت (تدبیر عالم) خدا در بلندترین درجه کمال است.

۳۶ ـ ایمان می‌آوریم به این که به هیچ کس ظلم نمی‌کند؛ زیرا عادل است، و این که از اعمال و کردار بندگانش غافل نیست؛ زیرا او کاملاً آگاه و مراقب بر آفریدگانش است.

۳۷ ـ ایمان می‌آوریم به این که خداوند، از آن چه در آسمان‌ها و زمین است، عاجز و ناتوان نیست؛ زیرا او در علم و قدرت خود کامل است: ﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَیْءٍ إِذَآ أَرَدْنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ۝٤٠﴾. (یس ۸۲).

«فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود».

و این که هیچ خستگی و فرسودگی بر او وارد نمی‌شود

چرا که نیرو و قوت او کامل است؛ چنان که می‌فرماید:
﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٖ ٣٨﴾. (ق ۳۸).

«ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران و مرحله) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده‌کردن مردگان برای ما مشکل است؟!). (آیه کریمه اثبات‌کننده معاد است زیرا کسی که بر آفرینش آسمانها و زمین قادر بوده و از آفرینش آنها خسته و مانده نشود، به طریق اولی بر زنده کردن مردگان نیز توانا است)».

۳۸ ـ ایمان می‌آوریم به درست بودن آن چه خداوند برای خود ثابت کرد، رسول الله ﷺ برای او اثبات تصدیق کرده است، از نام‌ها و صفت‌های باری‌تعالی لیکن از دو امر نادرست به شدت دوری کرده، آن را انکار می‌کنیم:

اول ـ همانندی: یعنی (شباهت دادن و مانند کردن). این که کسی با قلب یا زبان خود بگوید که صفت‌های خداوند همانند

صفت‌های مخلوقات است.

دوم ـ کیفیت: یعنی چگونگی. این که با قلب یا زبان خود بگوید صفت‌های خداوند چنین و چنان است.

۳۹ ـ ایمان می‌آوریم به آن چه خدا از خودش، یا رسول ﷺ، از خدا نفی و انکار کرده و از او دور دانسته‌اند و این که آن نفی و دوری، شامل اثباتِ کمال ضد آن (صفت‌های نفی شده برای خداوند است)، و آن چه خدا و رسولش ﷺ در آن سکوت کرده‌اند، ما نیز در باره آن خاموش و ساکت می‌مانیم.

٤٠ ـ بر این باور و عقیده‌ایم که پیروی از این راه و روش، بر ما فرض و واجب است و باید آن را بپذیریم؛ زیرا آن چه خدا ثابت کرده، یا آن را از خود نفی کرده، خبری است که از سوی خود بر ما وحی نموده است، و خدای‌تعالی در باره خود، از هرکسِ دیگر داناتر و آگاه‌تر است. کیست که در گفتارش از خدا راستگوتر است؟ و کیست که نیکوتر از خداوند سخن گوید؛ و بندگانش به علم او نتوانند رسید.

آن چه رسول الله ﷺ برای خدا ثابت کرده و یا از او نفی

نموده است خبری است که در باره خـدا گفتـه اسـت و خبـر داده است؛ و او از هر بنده، بـه خـدای یکتـا عـالم‌تـر، دانـاتر وآگاه‌تر است، و او خیر خواه‌ترین مردم و راستگوترین و شیوا سخن‌ترین انسان هاست.

در کلام خدا و رسولش ﷺ دانش کامل و صدق و راستی و بیان است، و هیچ عذری در رد کردن یا شـک کـردن در آن نیست.



# فصل
## (قاعده شناخت صفات خداوند متعال)

۴۱ ـ در حقیقت، دلیل و استناد ما در همه آن چه از صفات باری‌تعالی، چه به صورت مشروح، چه مختصر، و چه به طور اثبات یا نفی بیان کردیم، بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و گذشتگان و پیشینیان صالح و نیکوکار، و امامان اهل سنت و جماعت بوده است.

۴۲ ـ بر این عقیده‌ایم که باید کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کرد، چنان که باری‌تعالی شایسته و سزاوار آن معنی باشد. و از راه گمراهانی که صفات باری‌تعالی را تأویل کرده و به آن چه خدا و رسولش ﷺ می‌خواستند عمل نکردند، برائت و دوری می‌جوییم.

و همچنین خود را از راه مُعطّله[1] کسانی که صفات باری‌تعالی را تعطیل کرده و آن معنا و مفهومی که در آن

(۱) پیروان مذهب تعطیل ؛ در اصطلاح اهل سنت فرقه‌های مذهبی که منکر صفات باری تعالی بوده، و از خداوند نفی اسما و صفات می‌کرده‌اند. فرهنگ فارسی عمید ـ ویراستار.

صفات است آن را برای باری‌تعالی اثبات نمی‌کند، برائت می‌جوییم.

وهمچنین از راه کسانی که در آن صفات، غُلُو و زیاده روی کرده، و آن را به صفات مخلوقات تشبیه می‌کنند و یا برای آن چگونگی و کیفیتی ثابت می‌کنند، برائت و دوری می‌جوییم.

۴۳ ـ ما یقین داریم که آن چه در قرآن و سنت آمده حق و حقیقت است، و در آن هیچ اختلاف و نقصی وجود ندارد؛ چنان که باری‌تعالی می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُوا۟ فِيهِ ٱخْتِلَٰفًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾﴾. (النساء ۸۲).

«آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند».

زیرا تناقض و اختلاف در اخبار، موجب آن می‌شود که برخی از آن برخی دیگر را رد نماید و این امر (که برخی از آیات و احادیث برخی دیگر آنرا تکذیب و رد نماید) در اقوال خدا و رسولش مستحیل و ناممکن است.

٤٤ ـ هرکس ادعا کند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ تناقض و اختلاف وجود دارد، دلالت بر قصد و نیت بد او، و گمراهیِ قلب او می‌کند، و باید توبه کرده، به سوی خدای متعال باز گردد و از گمراهی و جهالت، دوری جوید.

هرکس به فکرش چنین آید که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ اختلاف و تناقض وجود دارد، از چند حال خارج نیست: یا از کمی دانش و معرفت اوست، و یا از عدم فهمِ و ادراک اوست، و یا از کم فکری و نیندیشیدن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و معانی آن می‌باشد؛ پس باید چنین فردی در آموختن علم و معرفت صحیح بکوشد، و با اندیشه و تدبر در آیات قرآن و معانی آن تلاش نماید تا حقیقت و یقین برای او روشن شود، و اگر نتوانست حقیقت را بداند، چنین مسایلی را به عالم آن که خداوند است واگذاشته و از تصور بی‌جا و تأمل جاهلانه در باره آن دوری جوید (و به آن ایمان آورده) و چنان گوید که صاحبان علم راستین می‌گویند که: ﴿كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا﴾. (آل عمران ٧).

«ما به همهٔ آن ایمان آوردیم (چرا که) همه از سوی پروردگار ما است».

بداند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ هیچ تناقض و اختلافی وجود ندارد.



# فصل
# (ایمان به فرشتگان)

٤٥ ـ ایمان می‌آوریم به فرشتگان خدا و این که: ﴿عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ۝٢٦ لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِٱلْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ ۝٢٧﴾. (الأنبياء ٢٦ ـ ٢٧).

«آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند ؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند».

خداوند، آن‌ها را آفریده و آنان نیز به عبادت خدا برخاسته و به طاعت او عمل کرده‌اند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۝١٩ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ۝٢٠﴾. (الأنبياء ١٩ ـ ٢٠).

«(فرشتگان) هیچ‌گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و هرگز خسته نمی‌شوند. (تمام) شب و روز را تسبیح می‌گویند؛ و سست نمی‌گردند».

خداوند، فرشتگان را از ما پنهان کرده، ما آنان را نمی‌بینیم و ممکن است خداوند، آن‌ها را برای برخی از بندگانش ظاهر و آشکار نماید ؛ چنانکه رسول الله ﷺ جبریل علیه السلام را بر صورت

حقیقی‌اش دید که ششصد بال داشت و تمامی کرانهٔ آسمان را پوشانده بود و همچنین جبریل علیه السلام به چهره انسانی درآمد و با مریم، مادر عیسی علیه السلام گفتگو کرد، و نیز به صورت مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد، و صحابه با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نشسته بودند و کسی او را نشناخت، در حالیکه هیچ اثری از سفر بر او نبود، و لباس سفیدی بر تن داشت، و مویش سیاه بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم نشست، زانو بر زانوی رسول الله صلی الله علیه و سلم نهاد و دو دست بر ران پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم گذاشته، با آن حضرت به گفتگو نشست. رسول اکرم پس از رفتنِ آن مرد، صحابه را خبر دادند که او جبریل ؛ بود.

٤٦ ـ ایمان می‌آوریم که فرشتگان به اعمالی گماشته شده‌اند: همانند جبریل علیه السلام که به نزول وحی بر پیامبران گماشته شده است. و میکاییل مأمور به نزول باران، و اسرافیل مأمور دمیدن در شیپور به هنگام برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است. و ملَک الموت موکَّل به قبضِ روح، هنگام مردن است. و فرشتگانِ کوه موکَّلند به کوه‌ها، خداوند مالک را

دربان جهنم قرار داده است.

فرشتگانی هستند که مأمور بر جنین و بچه‌هایی هستند که در شکم مادرانشان به سر می‌برند، فرشتگانی هستند که مأمور به نگهداری از بنی آدم و دفاع از ایشان هستند.

نیز فرشتگان دیگری به نوشتن اعمال و کردار بنی آدم گماشته شده‌اند، و برای هر فردی دو فرشته قرار داده شده است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾. (ق١٧ـ١٨).

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته، طرف راست (برای اعمال نیک) و فرشته چپ (برای اعمال بد) ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است».

فرشتگان دیگری هستند که خداوند، آن‌ها را برای سؤال و پرسش از مردگان، در هنگام دفن آن‌ها قرار داده است. دو فرشته بر مرده وارد می‌شوند و او را مورد بازخواست قرار داده

و می‌گویند: معبود تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ پس: ﴿ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِي ٱلْأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفْعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ﴿٢٧﴾ ﴾. (إبراهيم ٢٧).

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد ؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد) ؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد!».

فرشتگان دیگری هستند که مکلّفند به بهشتیان؛ خداوند می‌فرماید: ﴿يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْۚ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾ ﴾. (الرعد ٢٣ـ٢٤).

«از هر دری بر آنان وارد می‌گردند. (و به آنان می‌گویند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا(ی جاویدان)».

رسول اکرم ﷺ به ما خبر داده است که: «**إنَّ بيت المعمور**

**في السماء يدخله، ـ وفي رواية ـ: يصلي فيه، كل يوم سبعون ألف ملك ثم لا يعودون إليه آخر ما عليهم»**. [متفق عليه].

بیت المعمور[1] در آسمان است. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل می‌شوند، و در روایتی در آن نماز می‌خوانند، سپس به آن خانه باز نمی‌گردند.



(۱) خانه یا مسجدی که گفته‌اند در آسمان هفتم برابر کعبه است؛ یعنی خانه‌ای که تمامی فرمان‌ها در آن است.

## فصل
## (ایمان به کتابهائیکه بر پیامبران نازل شده است)

٤٧ ـ ایمان می‌آوریم به این که خـدای‌تعـالی بـر پیـامبران خود کتاب‌هایی فرستاده تا حجت و دلیلی باشد برای جهانیان تا به آن عمل کننـد و بـه وسـیلهٔ آن کتـاب‌هـا، بـه جهانیـان، حکمت آموزند، و آنان را پاکیزه نمایند.

٤٨ ـ ایمان می‌آوریم که خداوند بر هر پیامبری کتابی نازل فرموده ؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾. (الحديد ٢٥).

«مـا رسـولان خـود را بـا دلایـل و معجـزات روشـن و شریعت‌های آشکار فرستادیم، و با آنهـا کتـاب (آسـمانی کـه دارای احکام و شرایع است) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

٤٩ ـ [شماری] از آن کتاب‌ها کـه بـر مـا ظـاهر و آشـکار می‌باشد، عبارتند از:

أ ـ تورات که بر موسی علیه السلام نازل فرموده است و آن

بزرگترین کتابهای بنی اسراییل است: ﴿فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ﴾. (المائدة ٤٤).

«در آن، هدایت و نور بود ؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند ؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند».

و می‌فرماید: ﴿وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾﴾. (المائدة ٤٦).

ب ـ «و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد ؛ و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود».

﴿وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾. (آل عمران ٥٠).

«و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم».

ج ـ زبور که به پیامبر داوود عَلَیهِ السَّلَام عطا شده بود.

د ـ صحف که به ابراهیم و موسی عَلَیهِمَا السَّلَام داده شده بود.

هـ ـ قرآن کریم که بر خاتم پیامبران محمد صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّم نازل شد:

﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ﴾. (البقرة ۱۸۵).

«قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است».

می‌فرماید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾. (المائدة ۴۸).

«کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست».

پس، خداوند، قرآن را ناسخ و محو کننده تمامی کتاب‌های آسمانی گذشته قرار داده و عهده‌دارِ حفظ آن از عبث و تحریف و دست بردن در آن شده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ۝٩﴾. (الحجر ۹).

«ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم».

زیرا این قرآن تا روز قیامت باقی است و آن هم حجت و

برهان بر تمامی جهانیان است.

اما کتاب‌های پیشین، هر کدام برای دوره و زمانی معین و معلوم بوده است که با نزول کتاب دیگری، صلاحیتش پایان یافته و کتاب بعدی، آن چه از تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن بوده بیان کرده است، به همین سبب کتاب‌های سابق، مَصون از خطا و اشتباه نبوده و تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن‌ها وجود داشته است. خداوند می‌فرماید:

﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ﴾. (النساء ٤٦).

«بعضی از یهود، سخنان(خدا) را از جای خود، تحریف می‌کنند».

﴿فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ ٱلْكِتَٰبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾﴾. (البقرة ٧٩).

«پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.; تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند;

و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!».

﴿قُلْ مَنْ أَنزَلَ ٱلْكِتَٰبَ ٱلَّذِى جَآءَ بِهِۦ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا﴾. (الأنعام ٩١).

«بگو: ; چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود; (اما شما) آن را بصورت پراکنده قرارمی‌دهید; قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید».

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُۥنَ أَلْسِنَتَهُم بِٱلْكِتَٰبِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحُكْمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا۟ عِبَادًا لِّى مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾. (آل عمران ٧٨ـ٧٩).

«در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند،) از کتاب (خدا) است;در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ

می‌بندند در حالی که می‌دانند! برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!».

﴿ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ كَثِيرٗا مِّمَّا كُنتُمۡ تُخۡفُونَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖۚ قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ۝١٥ يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ۝١٦ لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ﴾. (المائدة ۱۵-۱۷).

«ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلا افشای آن مصلحت نیست،) صرف نظر می‌نماید. (آری،) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد؛

و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. آنها که گفتنـد: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند».



## فصل
## (ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها)

۵۰ ـ ایمان می‌آوریم به این که خداوند متعال، پیامبران و رسولانی بر خلق و جهانیان فرستاد: ﴿مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥﴾. (النساء ١٦٥).

«آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود;) و خداوند، توانا و حکیم است».

۵۱ ـ ایمان می‌آوریم به اینکه نخستین این پیامبران نوح عليه السلام و آخرین آنها محمد ﷺ می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ﴾. (النساء ١٦٣).

«ما به تو وحی فرستادیم; همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

و می‌فرماید: ﴿ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ ﴾. (الأحزاب ٤٠).

«محمد ( ﷺ ) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست;

ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است».

بهترین و برترین آن‌ها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی فرزند مریم علیهم السلام می‌باشد؛ چنانکه خداوند آنان را بطور خاص در این آیه مبارکه ذکر نموده است: ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٧﴾. (الأحزاب ۷).

«(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گـرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابـراهیم و موسـی و عیـسی بـن مریم، و ما از همه آنان پیمـان محکمـی گـرفتیم (کـه در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)».

۵۲ ـ ما معتقدیم که دین و شریعت محمد صلی الله علیه وسلم شامل تمامی فضیلت‌های شریعت پیامبـرانی که سرشار از فضل بودند چنان که می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ﴾. (الشوری ۱۳).

«آیینی را برای شما تشریع کرد که بـه نـوح توصـیه کـرده

بود; و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در ان تفرقه ایجاد نکنید!».

۵۳ ـ ایمان می‌آوریم به این که همه پیامبران، بشر و مخلوق هستند در وجود هیچ یک از ایشان صفات خداوند وجود ندارد. خداوند از زبان پیامبر نوح عليه السلام می‌فرماید: ﴿وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ﴾. (هود ۳۱)..

«من هرگز به شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی‌دانم! و نمی‌گویم من فرشته‌ام».

خداوند به خاتم الانبیاء ـ محمد صلى الله عليه وسلم ـ فرمان داد تا بگوید: ﴿قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمۡ إِنِّي مَلَكٌ﴾. (الأنعام ۵۰).

«بگو: «من نمی‌گویم خزاین خدا نزد من است; و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام».

و این که بگوید: ﴿لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ﴾.

(الأعراف ١٨٨).

«من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد».

و بگوید: ﴿ قُلْ إِنِّي لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ ﴾. (الجن ٢١ ـ ٢٢).

«بگو: من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. بگو: (اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند، و پناهگاهی جز او نمی‌یابم».

٥٤ ـ ایمان می‌آوریم که تمام پیامبران، بنده‌ای از بندگان خدا هستند و خداوند متعال، آنان را به پیامبری، بزرگ داشته است و آنان را به بندگی در بلندترین مقام و بر شیوه مدح، وصف فرموده است؛ چنانکه در باره اولینِ آن‌ها ـ نوح عليه السلام ـ می‌فرماید: ﴿ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾ ﴾. (الإسراء ٣).

«ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود».

درباره آخرینِ آنها محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِى نَزَّلَ ٱلْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِۦ لِيَكُونَ لِلْعَـٰلَمِينَ نَذِيرًا ۝١﴾. (الفرقان ۱).

«زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد».

[خدا] درباره پیامبران دیگر می‌فرماید: ﴿وَٱذْكُرْ عِبَـٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَـٰقَ وَيَعْقُوبَ أُو۟لِى ٱلْأَيْدِى وَٱلْأَبْصَـٰرِ ۝٤٥﴾. (ص ۴۵).

«و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستهای (نیرومند در طاعت خدا) و چشمهای (بینا)».

﴿وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ۝١٧﴾. (ص ۱۷).

«و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قـدرت را، کـه او بسیار توبه‌کننده بود!».

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيْمَـٰنَ ۚ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ۝٣٠﴾. (ص ۳۰).

«ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چـه بنـده خـوبی! زیـرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)!».

درباره عیسی، فرزند مریم، می‌فرماید: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَـٰهُ مَثَلًا لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ۝٥٩﴾. (الزخرف ۵۹).

«مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگوئی برای بنی اسرائیل قرار دادیم».

٥٥ ـ ایمان می‌آوریم که خداوند متعال، رسالت‌ها را با پیامبری محمد ﷺ پایان داد و او را بر همه جهانیان فرستاد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّى رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ ۖ فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِىِّ ٱلْأُمِّىِّ ٱلَّذِى يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَـٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾﴾. (الأعراف ١٥٨).

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم; همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست; معبودی بحق جز او نیست; زنده می‌کند و می‌میراند; پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد; و از او پیروی کنید تا هدایت یابید».

٥٦ ـ ایمان می‌آوریم به این که شریعت و آیین محمد ﷺ همان دین اسلام است که خداوند، آن را برای بندگان خود

قبول فرمود و غیر از اسلام، هیچ دینی را از هیچ‌کس نمی‌پذیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلْإِسْلَٰمُ﴾. (آل عمران ١٩).

«دین (پسندیده) در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

و می‌فرماید: ﴿ٱلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِى وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلْإِسْلَٰمَ دِينًا﴾. (المائدة ٣).

«امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

و می‌فرماید: ﴿وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ ٱلْإِسْلَٰمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾﴾. (آل عمران ٨٥).

«و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق،) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است».

٥٧ ـ معتقدیم که اگر کسی ادعا کند، امروز دینی غیر از

دین اسلام مانند دین یهود و یا نصاری و غیرِ اینها در نزد خدا مقبول است، او کافر است و باید از او خواست تا توبه کند، وگرنه مرتد است، و کشتن او لازم است؛ زیرا قرآن را انکار کرده است.

۵۸ ـ ما بر این باوریم که هرکس به رسالت محمد ﷺ ـ که برای جهانیان است ـ کافر شود، در حقیقت، به تمام پیامبران کافر شده است؛ حتی پیامبری که ادعا می‌کند به او ایمان دارد و پیرو اوست؛ چنان که باری‌تعالی می‌فرماید:

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٠٥﴾. (الشعراء ۱۰۵).

«قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند».

و آنان را تکذیب کنندهٔ همهٔ پیامبران دانسته است؛ در حالی که قبل از نوح عليه السلام، پیامبری فرستاده نشده بود و فرمود:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤۡمِنُ بِبَعۡضٖ وَنَكۡفُرُ بِبَعۡضٖ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ١٥٠ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ حَقّٗاۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٥١﴾. (النساء ۱۵۰-۱۵۱).

«کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند. آنها کافران حقیقی‌اند; و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم».

٥٩ ـ ایمان می‌آوریم که هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست [و نخواهد آمد] و هرکس، پس از او ﷺ ادعای نبوت کند یا کسی‌که ادعاکننده نبوت را [باور کرده] و به راستی و درستی او گواهی بدهد، کافر است؛ زیرا تکذیب کننده و دروغ پندارنده خداوند و رسول خدا ﷺ و اِجماع مسلمانان شده است.

٦٠ ـ ایمان می‌آوریم که پس از پیامبر ﷺ خلفای راشدین‌اند که در میان امّت او با علم و معرفت و دعوت و ولایت، بر مؤمنان خلافت کردند و بهترین و شایسته‌ترینِ آنها به خلافت [به ترتیب]: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن خطّاب،

سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب ﷺ می‌باشند.

و همچنان که در خلافت به ترتیب، قدر و منزلت داشتند، در فضیلت نیز چنان بودند و خداوند متعال ـ که برای اوست حکمت رسا و بالغ ـ ممکن نبود که بر این سده‌های برگزیده، شخصی را به خلافت منصوب کند؛ که از او شخص شایسته‌تری غیر از او وجود داشته باشد.

۶۱ ـ ایمان می‌آوریم به این که صاحب فضیلت کمتر از جملهٔ اینان ممکن است دارای خصوصیت ویژه و یا برتری در بعضی خصوصیت‌ها باشد نسبت به آنکه از او برتر و افضل است، ولی ممکن نیست صاحب فضیلت و برتری مطلق بر آنان گردد؛ زیرا علل و انگیزه‌های فضیلت و برتری، بسیار زیاد است.

۶۲ ـ ایمان می‌آوریم که امت محمدی، بهترین امت‌ها و فاضل‌ترینِ آن‌هاست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾. (آل عمران ۱۱۰).

«شما بهترين امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

٦٣ ـ ایمان می‌آوریم که بهترینِ این امت، یاران و صحابه (صحابی مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام رسیده و محضر آن حضرت را درک کرده و مسلمان از دنیا رفته باشد[1]) پیامبر ﷺ، سپس تابعین[2]، سپس تابعِ تابعین[3] می‌باشند.

٦٤ ـ ایمان می‌آوریم که در این امت گروهی هستند که تا روز قیامت بر حق بوده و مخالفت و دشمنی دشمنان و مخالفان هیچ ضرری به آن‌ها نمی‌رساند که فرمان و امر الهی جاری شود.

٦٥ ـ ما معتقدیم که آن چه بین صحابه و یاران پیامبر از

---

(١) وگرنه صحابه گفته نمی‌شود.

(٢) در اسلام، مسلمانی را می‌گویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد.

(٣) جانشینانِ تابعین.

جنگ و اختلاف و فتنه رخ داد، از اجتهاد[1] آنان بود. کسی که از آن‌ها بر حق بودند، برای او دو اجر است و کسی که بر حق نبود، برای او یک پاداش، و آن هم پاداشِ اجتهاد است و خطای او بخشوده می‌شود.

٦٦ ـ ما معتقدیم که نباید از بدی آنان سخن بگوییم، بلکه آنان را به آن چه که از مدح و ثَنا، سزاوار و شایسته آنند، بستاییم و دل‌های خود را از حِقد و حسد و کینه آنان پاک کنیم؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ﴾. (الحدید ١٠).

«کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده است».

---

(١) استنباط مسایل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی.

می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ۝١٠﴾. (الحشر ١٠).

«(همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حس و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی».



# فصل
## (ایمان به روز قیامت)

٦٧ ـ ایمان می‌آوریم به روز قیامت. و آن روزی است که بعد از آن، روز دیگری نیست، وقتی مردم زنده شده، از قبرهای خود برمی‌خیزند تا این که زندگیِ ابدی را شروع کنند و راه ایشان یا به بهشت، و یا به دوزخ خواهد بود.

٦٨ ـ ایمان می‌آوریم به برانگیخته شدن. و آن هم زنده کردنِ خداوند مردگان را ؛ در حالی‌که اسرافیل در شیپور می‌دمد: ﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾. (الزمر ٦٨).

«و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند».

در این وقت، مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند؛ در حالی‌که پا برهنه‌اند و لخت هستند و ختنه نشده‌اند: ﴿كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ

خَلْقٍ نُّعِيدُهُۥ وَعْدًا عَلَيْنَآ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ ﴾. (الأنبياء ١٠٤).

«همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعا آن را انجام خواهیم داد».

٦٩ ـ ایمان می‌آوریم به نامهٔ اعمال و کردار که به دست راست و یا از پشت به دست چپ داده می‌شود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ ﴾. (الانشقاق ٧ ـ ١٢).

«پس کسی که نامهٔ اعمالش به دست راستش داده شود. به زودی حساب آسانی برای او می‌شود. و خوشحال به اهل و خانواده‌اش باز می‌گردد. و اما کسی که نامهٔ اعمالش به پشت سرش داده شود. به زودی فریاد می‌زند: ای وای بر من که هلاک شدم. و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد».

﴿ وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِى عُنُقِهِۦ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ ﴾. (الإسراء ١٣ ـ ١٤).

«و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می‌گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!».

۷۰ ـ ایمان می‌آوریم به ترازویی که در روز قیامت برای حساب و جزا و کیفر و پاداش گذاشته می‌شود و به هیچ‌کس ظلم نمی‌شود: ﴿فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝٧ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝٨﴾. (الزلزلة ۷ـ۸).

«پس هر کس هم‌وزن ذرّه‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. و هر کس هم‌وزن ذرّه‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند».

﴿فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝١٠٢ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝١٠٣ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ۝١٠٤﴾. (المؤمنون ۱۰۲ـ۱۰۴).

«و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی

هستند کـه سـرمایه وجـود خـود را از دسـت داده، در جهـنم جاودانه خواهند ماند! شعله‌های سوزان آتش همچون شمـشیر به صورتهایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهـره‌ای عبـوس دارند».

﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾﴾. (الأنعام ١٦٠).

«هر کس کار نیکی بجـا آورد، ده برابـر آن پـاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد».

۷۱ ـ ایمان می‌آوریم بـه شفاعــت عظمـی و بزرگـی کـه مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می‌طلبد تا این که بین مردم، به مصیبتی که بر آنان وارد شده است، از همّ و غـمّ و سختی و شدت روزِ محشر قضاوت نماید؛ پـس مـردم نـزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نـزد ابـراهیم، سـپس نـزد موسـی، سپس نزد عیسی عليه السلام رفته تا این که سر انجام به پیـامبر ﷺ می‌رسند].

۷۲ ـ ایمان می‌آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می‌آورد و آن شفاعت، برای رسول الله ﷺ و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته‌ها می‌باشد.

و اینکه خداوند متعال، گروهی ازمؤمنان را از جهنم بیرون می‌آورد بدون شفاعت کسی، بلکه به فضل و رحمت خداوندی.

۷۳ ـ ایمان می‌آوریم به حوض رسول الله ﷺ و این که آب آن سفیدتر از شیر، و شیرین‌تر از عسل است، و بوی آن بهتر از بوی خوش مشک می‌باشد. طول آن به مسافت رفتن یک ماه، و عرض آن نیز همان قدر است. ظرف‌های آن مانند ستارگان آسمان، زیاد و زیبا هستند و مؤمنان امت محمدی، بر آن وارد می‌شوند و هرکس که از آن حوض بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد.

۷٤ ـ ایمان می‌آوریم به صراط. و آن پلی است که بر جهنم نصب شده و مردم به قدر و اندازه اعمال و کردار خود از روی آن می‌گذرند، اولین آن‌ها مانند برق عبور می‌کند، سپس

بعد از آن همانند باد، سپس مانند پرنده‌ای و شد الرحال[1] رسول الله ﷺ بر پل ایستاده و می‌فرماید: بارخدایا! نجات ده، نجات ده، تا اینکه اعمال (بندگان) کم و ناتوان می‌گردد، و کسانی بیایند که از پل بطور خزیدن عبور کنند، و در دو طرف پل، قلاب‌هایی آویزان است و مأمورند کسی را که به آنان امر شود، بگیرند و به آنان خدشه وارد شده و مجروح می‌شوند و سپس نجات می‌یابند و دیگران به آتش جهنم می‌افتند.

۷۵ ـ ایمان می‌آوریم به تمامی آن چه در قرآن و سنت پیامبر ﷺ از اخبار و سختی و هراس آن روز آمده است، خدا ما را از آن نجات دهد.

۷٦ ـ ایمان می‌آوریم به شفاعت پیامبر ﷺ نسبت به اهل بهشت تا این که به آن داخل شوند و آنهم [شفاعتی که] مخصوص پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

۷۷ ـ ایمان می‌آوریم به بهشت و دوزخ و این که بهشت

(۱) مانند حیواتیکه بر آن بار حمل کنند. در روایت دیگری آمده (کأجاوید الخیل) یعنی مانند اسبان خوب، تندرو و زرنگ ـ مترجم.

دار النعیم است که خـداوند آن را برای مؤمنانِ پـرهیزگار، مُهیا کرده و در آن نعمت‌هایی است که هرگز چشم مانند آن ندیده، گوش مانند آن نشنیده، و دلِ بشر، مانند آن تصور نکرده است: ﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧﴾. (السجدة ١٧).

«هیچ کس نمی‌داند چه پاداشهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهائی است که انجام می‌دادند».

و جهنم، دار العذاب است که خداوند آن را برای کافران ستمگر، مُهیا ساخته و در آن عذابی هولناک و شدید است که هرگز در تصور هیچ بشری، خطور نکرده است: ﴿إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩﴾. (الكهف ٢٩).

«ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان

می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است».

و آن دو؛ یعنی بهشت و دوزخ، اکنون وجود دارد و هیچ‌گاه فانی نشده و از بین نخواهد رفت. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿١١﴾﴾. (الطلاق ١١).

«و هرکس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد (و این راه را تداوم بخشد خداوند) او را در باغهایی از بهشت وارد می‌سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزی نیکوئی برای او قرار داده است».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ﴿٦٦﴾﴾. (الأحزاب ٦٤-٦٦).

«خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولیّ و یاوری

نخواهند یافت! در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم».

۷۸ ـ ما شهادت می‌دهیم به بهشت رفتن کسانی را که قرآن و سنت پیامبر ﷺ آن را بیان کرده، چه کسانی که پیامبر با نام، آن‌ها را معلوم کرده، و چه کسانی که به وسیله صفت و نشانه‌ای، معین و مشخص شده‌اند؛ مانند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی ﷺ که رسول اکرم ﷺ آن‌ها را نام برده است.

چه آنانی که به سبب صفت و اعمالشان به بهشت وارد می‌شوند؛ مانند: هر مؤمن یا هر شخص پرهیزگار و متقی.

۷۹ ـ ما شهادت می‌دهیم به دوزخ رفتن کسانی را که قرآن و سنت رسول ﷺ آن‌ها را بیان کرده است؛ چه با نام، و چه با وصف آنها. از کسانی که نام برده شده‌اند ابولهب و عُمرو بن لحی الخزاعی و مانند این‌هاست، و از کسانی که وصفشان آمده است: هر کافر و مشرکی که شرک اکبر دارد و همهٔ منافقان.

۸۰ ـ ایمان می‌آوریم به سختی قبر و سؤال و پرسش از مرده در قبرش؛ از معبود، دین و پیامبر او، پس: ﴿ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْـَٔاخِرَةِ ﴾. (إبراهيم ٢٧).

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد; هم در این جهان، و هم در سرای دیگر».

انسان مؤمن در این جا می‌گوید: معبود من خدا، دین من اسلام، و پیامبر من محمد ﷺ است.

اما انسان کافر و منافق می‌گوید: نمی‌دانم؛ شنیدم مردم چیزی می‌گویند، من هم همان را گفتم.

۸۱ ـ ایمان می‌آوریم به نعمت و آسایش قبر برای مؤمنان؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ ۙ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمُ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ ﴾. (النحل ٣٢).

«همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند; به آنها می‌گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!».

۸۲ ـ ایمان می‌آوریم به عذاب قبر برای ظالمان کافر؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى غَمَرَٰتِ ٱلْمَوْتِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُ ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ ٱلْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَٰتِهِۦ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾﴾. (الأنعام ۹۳).

«و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید»! (به حال آنها تاسف خواهی خورد)».

احادیث در این باره زیاد وارد شده است و برای مؤمن روشن و آشکار است؛ پس بر هر انسان مؤمن، واجب است که به آن چه در قرآن و سنت رسول الله ﷺ از امور غیبی وارد شده است، ایمان بیاورد و به آن چه در دنیا مشاهده می‌کند با آن جدال و مقابله نکند، و آن را مورد تکذیب قرار ندهد؛ زیرا بین دنیا و آخرت فرق بسیار است. والله المستعان.



# فصل
## (ایمان به قضا و قدر)

۸۳ ـ ایمان می‌آوریم به قضا و قدر و خیر و شر آن، و آن هم تقدیر و سرنوشت خدا برای آفریدگان وخلایق. چنان که علم خدا بر آن سرنوشت، حکم کرده است.

قضا و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبهٔ اول: مرتبه علم است. ایمان می‌آوریم که خداوند متعال (با علم ازلی و ابدی خود) بر همه چیز عالم و داناست، دانا بر آن چه بوده، و آن چه خواهد بود، و بر چگونگی آن علم جدیدی برای وی به میان نمی‌آید که مسبوق به جهالت باشد، و بعد از علم فراموشی برایش عارض می‌شود.

مرتبهٔ دوم: مرتبه نوشتن (آن علم است). ایمان می‌آوریم که خداوند متعال آن‌چه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾﴾. (الحج ۷۰).

«آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است

می‌داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است».

مرتبهٔ سوم: مرتبهٔ مشیت و خواست خداست: ایمان می‌آوریم به اینکه خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است خواسته و هیچ چیز جز به مشیت و اراده او نخواهد بود، هر چه را که خدا خواهد می‌شود، و آن چه نخواهد، نمی‌شود.

مرتبهٔ چهارم: مرتبه خلقت و آفرینش است. ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ٦٢ لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾. (الزمر ۶۲-۶۳).

«خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست».

این مراتب چهارگانه شامل آن چه از خود باری‌تعالی و آن چه از بندگان خواهد بود، می‌باشد.

پس هر چه بنده از گفتار و کردار و غیر آن انجام می‌دهد برای خداوند واضح، آشکار و معلوم است و خداوند آن را خواسته و به وجود آورده است: ﴿لِمَن شَآءَ مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ ٢٨ وَمَا

تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٩﴾﴾. (التكوير ۲۸-۲۹).

«برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم پیش گیرد. و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوند - پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد».

﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُوا۟ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾﴾. (البقرة ۲۵۳).

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد».

﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾﴾. (الأنعام ۱۳۷).

«و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند (زیرا می‌توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)».

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾﴾. (الصافات ۹۶).

«با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!».

اما با این حال، ایمان می‌آوریم که خداوند برای بندهٔ خود اختیار و قدرت قرار داده تا با آن، عمل خود را انجام دهد و

نشانی بر این که بنده با خواست و اراده و اختیار خـود عمـل انجام می‌دهد:

[دلیل] اول: خداوند می‌فرماید: ﴿فَأْتُوا۟ حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ﴾. (البقرة ۲۲۳).

«پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید».

و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا۟ ٱلْخُـرُوجَ لَأَعَدُّوا۟ لَهُۥ عُدَّةً﴾. (التوبة ٤٦).

«اگر آنها (راست می‌گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند».

پس آمادگی و مُهیا شدن برای جنـگ را بـا اراده مطلـق و خواست خود، بر بندهٔ خود، ثابت کرده است.

[دلیل] دوم: توجیه امر و نهی به بنده. اگر بنده اختیار و قدرت نداشت، امر و نهی کردن به او از جمله تکالیفی بود که توانایی انجام آن را نداشت، و این امری است که حکمت خداوندی و رحمت او نمی‌پذیرد و از آن دوری می‌کند. خداوند در خبر صادق و راستین قـرآن می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾. (البقرة ۲۸۶).

«خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند».

[دلیل] سوم: ستایش نیکوکار به خاطر احسان و نیکی، و نکوهش بدکار بر عمل بد و ناشایست او. جزای هر کدام به آن چه سزاوارش هستند. اگر عمل و کردار بنده با اراده و اختیارش انجام نمی‌شد، مدحِ نیکوکار، بی‌نتیجه و کیفرِ بدکار، ظلم به شمار می‌آمد و خداوند از کار بی‌ارزش و بی‌نتیجه و ظلم، منزه و پاک است.

[دلیل] چهارم: این که خداوند رسولانی را فرستاده است: ﴿مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِ﴾. (النساء ۱۶۵).

«آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود;) و خداوند، توانا و حکیم است».

اگر اعمال وکردار بنده با اراده و اختیار او انجام نمی‌گرفت حجت و برهان خدا در فرستادن رسولان و پیامبران، باطل می‌شد.

[دلیل] پنجم: هرکس احساس می‌کند که عملی را انجام می‌دهد، یا آن را ترک می‌کند، بدون آن که حس کند کسی او را به انجام آن کار وادار کرده است؛ مثلا با اراده مطلق و خالص خودش برمی‌خیزد، و می‌نشیند، داخل می‌شود، و خارج می‌گردد، مسافرت می‌کند، و ساکن می‌شود، بدون آن که هیچ احساس زور و اجبار در او به وجود آید، البته که فرق زیادی است میان کسی‌که به انجام چیزی اجبار شود، تا کسی‌که با اختیار مطلق، کاری را انجام دهد. آیین اسلام نیز بین این دو؛ یعنی اجبار و اختیار، فرق گذاشته است، پس هرکس عملی را انجام دهد و در انجام آن عمل ناگزیر و مجبور باشد، شرع و آیین اسلام، او را در آن‌چه به خدای باری‌تعالی تعلق دارد، مورد بازخواست قرار نخواهد داد.

۸٤ ـ ما معتقدیم هیچ حجتی برای گناهکار در گناهش به خاطر قضا و قدر وجود ندارد، زیرا که گناهکار گناه را به اختیار خود انجام داده است، بدون آن که بداند که خداوند آنرا از قبل برای او سرنوشت کرده باشد، زیرا هیچ کس از

سرنوشت باخبر نیست مگر بعد از وقوع آن عمل: ﴿وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗا﴾. (لقمان ٣٤).

«و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد».

پس چرا [گناهکار] دلیلی می‌آورد که قبلاً در هنگام انجام آن کار، از آن بی‌خبر است و عذر می‌آورد که این، قضا و قدر خداست؟ خداوند، استناد کردن آن‌ها به آن دلیل را با آیه زیر باطل می‌فرماید: ﴿سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَاۗ قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَخۡرُصُونَ ١٤٨﴾. (الأنعام ١٤٨).

«بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما; و نه چیزی را تحریم می‌کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می‌گفتند; و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید، و

تخمینهای نابجا می‌زنید».

۸۵ ـ ما خطاب به گناهکاری که به قضا و قدر استناد می‌کند، می‌گوییم: چرا فرمان خدا را اجرا نکردی؟ ممکن بود خداوند این را برای تو سرنوشت کرده بود؛ زیرا وقتی انسان پیش از انجام کار، به سرنوشتْ جاهل باشد هیچ فرقی بین طاعت و معصیت برای او نیست، به همین سبب وقتی رسول الله ﷺ به صحابه فرمودند: «**بأنَّ کلّ واحد قد کتب مقعده من الجنّة و مقعده من النّار قالوا: أفلا نتکل وندع العمل؟ قال: لا، اعملوا فکل میسر لما خلق له**». [البخاري].

«جایگاه هر کس، در بهشت و دوزخ نوشته شده است، صحابه گفتند: آیا توکل به خدا کرده، انجام عمل و کار را ترک کنیم؟ آن حضرت ﷺ فرمود: نه، عمل را انجام دهید؛ زیرا هر کسی آن چه بر او نوشته شده انجام می‌دهد».

۸۶ ـ باز خطاب به گنهکاری که قضا و قدر را دلیل گرفته می‌گوییم: اگر بخواهی به مکّه مکرمه سفر کنی و مکّه دو راه داشت و شخصی راستگو به تو بگوید که یکی از این دو راه،

خطرناک و دشوار است و راهِ دیگر آسان و ایمن است، پس حتماً راه دومی را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست راه اولی را برگزینی و می‌گویی این سرنوشت من است، و اگر راه اولی را انتخاب کنی، مردم تو را دیوانه می‌دانند.

٨٧ ـ همچنین به او می‌گوییم: اگر دو کار به تو محول کنند و معاش ماهانه یکی از آن‌ها بیشتر باشد، حتماً تو آن کار را بر خواهی گزید که معاش زیادتری دارد؛ پس چه طور و چگونه برای روز رستاخیز خود، آن چه را بدتر و دارای ثواب کم‌تر است انتخاب می‌کنی و می‌گویی این قضا و قَدر و سرنوشت من است؟!

٨٨ ـ به او می‌گوییم وقتی به مرضی مبتلا شدی، درِ هر مطب و دکتری را می‌زنی تا تو را درمان کند و به آن چه از درد و سختی جراحی و تلخی دارو بر تو وارد می‌شود صبر می‌کنی؛ پس چرا با قلب مریض خود، این کار را نمی‌کنی و بیماری گناه و معصیت آن را معالجه نمی‌کنی؟

٨٩ ـ ما ایمان می‌آوریم که شر و بدی به خداوند نسبت

داده نمی‌شود؛ زیرا رحمت و حکمت او کامل است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «**والشر ليس إليك**». [مسلم].

شر و بدی نزد تو وجود ندارد.

پس هیچ‌گاه در قضا و قدرِ خداوند، ابداً شر نیست؛ زیرا [قضا و قدر] از حکمت و رحمت او صادر می‌شود، و شر در مخلوقات و مقتضیات او می‌باشد؛ چنان که رسول الله ﷺ به حسن بن علی رضی الله عنهما در دعای قنوت چنین آموخت: «**وقِني شر ما قضيت**» «مرا از شری که قضا کردی دور فرما» و شر و بدی به آن چه قضا فرموده اضافه کرد. با این حال، شرِّ موجود در آن چه قضا شده است، شر و بدی محض و مطلق نیست، بلکه از یک جهت شر و بدی است که در محل آن است، و در جهت دیگر خیر است، یا در این جا شر، و در جای دیگر خیر است؛ مثل فساد در زمین، و خشکی و قحطی و مرض و فقر و گرسنگی و ترس، شر و بدی است، ولی در جای دیگر خیر است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِي عَمِلُوا۟ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝٤١﴾. (الروم ٤١).

«فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است; خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند».

همچنین قطع کردن دست دزد و سنگسارکردن زناکار برای آن‌ها شر است؛ زیرا دست دزد قطع می‌شود و جان زناکـار از بین می‌رود، ولی از جهت دیگر برای آنها خیـر اسـت؛ چـون کفاره گناهان آن‌ها خواهد بود، و کیفر دنیـا و آخـرت بـا هـم جمع نخواهد شد، و از جهت دیگر نیز خیر است؛ زیرا در آن حمایت از اموال و ناموس و نژاد بشر است.



# فصل

## (ثمرات و فایده‌های عقیدهٔ صحیح)

۹۰ ـ این عقیدهٔ بلند و عالی، در برگیرندهٔ اصولی عظیم و بزرگ است، و به کسی که به آن معتقد باشد، ثمره و فایده‌های بسیاری می‌رساند مانند:

ایمان به خدای‌تعالی، و نام و صفت‌های او، که به بنده ثمرهٔ محبت و بزرگداشت او را می‌بخشد و موجب اطاعت و پیروی از فرمان‌های [خدا] و دوری از نواهی خواهد شد؛ زیرا اطاعت و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی، ببار آورنده سعادت در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾. (النحل ۹۷).

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

۹۱ ـ [شماری] از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به فرشتگان

عبارتند از:

اول: علم و شناخت بزرگی و عظمت آفریننده آن‌ها و قدرت و پادشاهی او سبحانه.

دوم: شکر و سپاس باری‌تعالی به خاطر عنایت بر بندگان و سرپرستی آن‌ها؛ چنان‌که این فرشتگان را موکل کرده تا از آن‌ها حفاظت و نگهداری کنند و اعمال و کردارشان را بنویسند و نیز فایده‌های دیگر.

سوم: محبت و دوستی فرشتگان بسبب عبادتی را که به طور کامل انجام داده‌اند و بسبب استغفارشان برای مؤمنان.

۹۲ ـ از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به کتاب‌های خدا:

اول: علم و معرفت به رحمت خداوند تبارک و تعالی و عنایت و توجه او به بندگان خود؛ چنان که برای هر قوم و نژادی، کتابی جهت هدایت و راهنمایی آن‌ها فرستاده است.

دوم: آشکار شدن حکمت خداوندی هنگامی‌که راه را برای بندگان روشن و معین فرمود وکتاب‌ها را برای هر امتی ـ آن‌چه مناسب آن‌هاست ـ فرستاد و آخرین این کتاب‌ها قرآن مجید

است که مناسب تمام انسان‌ها در هر زمان و مکان تا روز قیامت می‌باشد.

سوم: سپاس و شکر، از خداوند متعال به خاطر نعمت‌هایش.

۹۳ ـ فواید ایمان به پیامبران:

اول: علم و شناخت رحمت خداوندی و عنایت الهی بر بندگانش؛ زیرا پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آنان فرستاده است.

دوم: شکر و سپاس از خداوند به خاطر این نعمتهای بزرگ.

سوم: محبت و دوست داشتن پیامبران و احترام و بزرگداشت و مدح و ثنای آنان به آن‌چه شایسته آن هستند؛ زیرا آن رسولان و پیامبران از بهترین بندگان خدا هستند، برای عبادت و تبلیغ پیام خدا و نصیحت بندگان. رسولانی که در برابر آزار و اذیت بندگان، صبر و شکیبایی کردند.

۹٤ ـ از فایده‌های ایمان به روز آخرت:

اول: حریص بودن بر طاعت و فرمان باری‌تعالی از روی رغبت به خاطر پاداش روز قیامت و پرهیز از معصیت و گناه به

جهت ترس از کیفر آن روز.

دوم: دلْ خوشیِ و تسلی مؤمن در برابر حرمان از نعمت‌های دنیا و امیدوار بودن به نعمت و خوشی‌های که در آخرت نصیب وی خواهد شد.

۹۵ ـ از فواید ایمان به قضا و قدر (سرنوشت):

اول: اعتماد به خداوند در انجام هر کار ؛ زیرا کار و سبب انجام آن، منوط به قضا و قدر خداوند متعال است.

دوم: راحت روح و جان و اطمینان قلب ؛ وقتی انسان بداند که این قضا و قدر خداست و مکروه و شر و بدی حتماً وجود دارد، جان و روح او آسوده خواهد شد و قلب او به قضا و قدر، اطمینان پیدا خواهد کرد. بنابر این هیچ کس زندگی‌اش بهتر و روح و جانش پاک‌تر و اطمینانش قوی‌تر از فردی که ایمان به قضا و قدر دارد، نیست.

سوم: دور کردن غرور و خودپسندی از روح و جان هنگامی رسیدن به آرزو و هدف ؛ زیرا آن نعمت از تقدیر و سرنوشت خداست که به دست آوردنش فقط با مُهیا نمودن

اسباب خیر ممکن است و پیروزی از جانب خداوند بوده است در این جا خدای را به خاطر نعمتش شکر و سپاس می‌گوید و از غرور، خودپسندی و خودبینی، دوری و اجتناب می‌ورزد.

چهارم: دوری از بی‌تابی و پریشانی در باره نرسیدن به هدف و آرزویی، یا واقع شدن شر و بدی؛ زیرا آن [ناکامی] از قضا و قدر باری‌تعالی است (کسی‌که مالک آسمان‌ها و زمین است) و آن هم ناگزیر واقع خواهد شد، پس صبر و شکیبایی می‌کند بر آن سختی‌ها، اجر و پاداش را از خداوند می‌طلبد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَآ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا۟ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا۟ بِمَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾﴾. (الحدید ۲۲ ـ ۲۳).

«هیچ مصیبتی در زمین (مانند: قحط باران، ضعف گیاهان، نقص میوه‌ها)، و نه در وجود شما (مانند: آفتها، بیماریها، رنجها، فقر) روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه آن(زمین، مصیبت، مردم) را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت

است; و این امر برای خدا آسان است! این بخاطر آن است که برای آنچه (از دنیا) از دست داده‌اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید; و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد!».

در پایان، از خدای‌تعالی می‌خواهیم تا ما را بر این عقیـده، ثابت و استوار گرداند، و ثمره آنرا بـه مـا برسـاند، و از فـضل خود بر ما زیاد فرماید، و قلب ما را بعـد از هـدایت منحـرف نگرداند، و از رحمت خود به ما عطا فرماید.

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان.**

**بقلم مؤلف: محمد بن صالح العثيمين**

**٣٠/ شوال/ ١٤٠٤هـ. ق**

برای ارتباط با مترجم می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض ـ الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com
es@al-islam.com

# عقيدة أهل السنة والجماعة

تأليف :

محمد بن صالح العثيمين

( رحمه الله )

ترجمة

إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

(رحمه الله)

باللغة الفارسية

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
المملكة العربية السعودية

١٤٣٩ هـ